



## بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم - 11 / مرداد / 1395

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيما بقية الله فى الارضين.

خیلی خوش آمدید برادران و خواهران عزیز که از استانهای مختلف کشور، از راههای دور زحمت کشیدید تشریف آوردید و امروز حسینیتهی ما را با عطر نام شهیدان و یاد شهیدان و روحیهی انقلابی معطر کردید. از این برادران عزیز که هم سرود خواندند، هم تلاوت دسته جمعی قرآن کردند تشکر میکنم. البته در جلسه همهمه بود و تلاوت بسیار زیبای این برادران عزیز به گوش بعضی نرسید؛ از دستتان رفت لکن بنده با دقت گوش کردم و استفاده کردم. آیات کریمه‌ی قرآن و کلمات قرآن، در هر جایی، در هر وقتی که تلاوت بشود و خوانده بشود، مایه‌ی روحانیت و معنویت و برکت است؛ بخصوص این آیاتی که این برادران عزیز انتخاب کرده بودند که آیات سوره‌ی احزاب بود و نشان‌دهنده‌ی خط روشن و مستقیم امت اسلامی در هنگامه‌های دشوار، در چنبره‌های سخت زمانه و روشن‌کننده‌ی راه امت است. معلوم میکنند که اگر امت اسلامی در هر برهه‌ای، در هر دوره‌ای دچار مشکلاتی شد - از قبیل همان مشکلاتی که در این آیات به آنها اشاره شده است - راه چیست. *مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ*؛ (۱) وقتی پیمان با خدا و معاهده‌ای که دلهای مؤمن با خدا بسته‌اند صادقانه باشد، همه‌ی کارها پیش خواهد رفت؛ همه‌ی مشکلات برطرف خواهد شد. البته زندگی موانع دارد، مشکلات دارد، هیچ جاده‌ی آسفالته‌ای در مقابل هیچ ملتی نیست؛ باید راه را با همت خودشان، با کوشش خودشان هموار کنند، صاف کنند و به سمت اهداف خودشان حرکت کنند. ملتهایی که به اوج معنویت و مدنیت و رفاه و سعادت رسیدند، این‌جوری حرکت کردند. این آیات به ما این چیزها را تعلیم میدهد.

خب، ماه ذیقعه که در آستانه‌ی آن قرار داریم، اول ماه‌های حرام است. ماه حرام به معنای [ماه] احترام است؛ یعنی ماه‌هایی که از نظر پروردگار عالم «مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ». (۲) چهار ماه را خدای متعال محترم‌تر از ماه‌های دیگر قرار داده است؛ با یک محدوده‌های مشخصی از احکام که این احترام در چه چیزی و در چه امری است. مسلمانها از این تعلیم الهی هم باید درس بگیرند. ماه حرام - که ماه محترم الهی است به تعبیر عارف بزرگ مرحوم حاج میرزاعلی آقای قاضی (رضوان الله تعالی علیه) - ماه‌هایی است که مسلمانها بایستی با توجه بیشتر به خدای متعال و تعبد بیشتر، خودشان را آماده‌ی ورود در میدانهای حساس و مهم زندگی کنند. آنچه امروز برای ملت ایران - این ملت بزرگ و سرافراز - مطرح است، همین است که در راه پرافتخاری که در پیش گرفته است با قدرت، با سرعت، با عزت، با سربلندی پیش برود و حرکت کند.

جلسه‌ی امروز ما یک جلسه‌ی ویژه‌ای است، یعنی گروه‌هایی از مردم عزیز ما از چهار گوشه‌ی کشور، از چند استان تشریف آورده‌اند و جمع شده‌اند؛ از جنوب شرق کشور تا شمال غرب کشور، اقوام مختلف، فارس، ترک، کرد، بلوچ، در جمع امروز ما حضور دارند؛ این معنا دارد؛ معنایش این است که ایران یکپارچه با اقوام مختلف و متعدد، دارای یک هدفند؛ دارای یک مسیرند. بله، ممکن است زبانها مختلف باشد، مذاهب مختلف باشد اما اهداف عالی این ملت یکسان است؛ همه می‌خواهند ایران عزیز را به‌عنوان الگوی یک کشور اسلامی به دنیا معرفی کنند. الگوی کشور اسلامی هم به معنای این نیست که در این کشور همه‌ی مردم فقط مشغول نماز و روزه و دعا و توسلاتند؛ نه، اینها



هست، اینها معنویت است اما در کنار این معنویت، پیشرفت مادی هست، رشد علمی هست، توسعه‌ی عدالت هست، کم شدن فاصله‌های طبقاتی هست، برداشته شدن نمونه‌ها و قله‌های اشرافی‌گری هست؛ خصوصیت جامعه‌ی اسلامی اینها است. آن وقت در یک چنین جامعه‌ای، مردم خوشبختند، احساس امنیت میکنند، احساس آرامش میکنند، به سمت اهداف عالی‌ی خود پیش میروند، خدا را عبادت هم میکنند، پیشرفت دنیوی هم نصیب آنها میشود؛ ملت ایران دنبال یک چنین جامعه‌ای است؛ همه این را میخواهند؛ شیعه و سنی ندارد، کرد و بلوچ و فارس و ترک ندارد، همه دنبال این هستند. خب، این میشود یک الگو؛ وقتی الگو شد، وقتی نمونه‌سازی شد، آن وقت ملتهای دیگر مسلمان [هم] راه را پیدا میکنند.

ما امروز مشکل‌مان این است؛ استکبار جهانی و استعمار، از یکی دو قرن پیش، مصلحت خود را در این دانست که بین ملتهای مسلمان اختلاف بیندازد. مصلحت را در این دانست، چرا؟ چون در این صورت میتوانست ثروتهای اینها را غارت کند، اینها را از پیشرفتهایی که حق آنها بود باز بدارد؛ استثمار کند. قدرتهای جهانی به برکت علمی که پیدا کرده بودند و فتاوری‌ای که پیدا کرده بودند و سلاحهایی که ساخته بودند، هدفشان را این قرار دادند و متأسفانه تا حدود زیادی هم موفق شدند. اینکه ما از اول انقلاب تا امروز دائم دست دوستی را به سمت ملتهای مسلمان و به سمت دولتهای مسلمان دراز کردیم، دعوت کردیم به اتحاد، به وحدت، به ایستادگی در مقابل توطئه‌های دشمن، به‌خاطر این است.

وقتی که ملت ایران توانست خود را به آن نقطه‌ای برساند که بتواند به‌عنوان یک ملت مسلم به معنای حقیقی کلمه خود را به دنیا نشان بدهد، این بزرگ‌ترین تبلیغ اسلام است؛ ملتهای دیگر هم روانه‌ی همین طرف خواهند شد و تشکیل امت بزرگ اسلامی که مایه‌ی عزت و مایه‌ی ترویج اسلام در سراسر جهان است، اتفاق خواهد افتاد؛ آن مدنیّت اسلامی که انتظارش را داریم که بتواند بر مدنیّت مادی گمراه‌کننده و فاسد غربی غلبه پیدا کند، آن روز تحقق پیدا خواهد کرد؛ مقدمه‌اش اینجا است؛ مقدمه‌اش این است که ما ملت ایران بتوانیم به سمت الگو شدن پیش برویم. خب، همه باید همت کنند؛ هم مسئولین باید همت کنند، هم آحاد مردم باید همت کنند. این قضیه هم قضیه‌ی یک‌سال و دو‌سال نیست، قضیه‌ی بلندمدت است؛ زمان میبرد؛ کم‌اینکه در تمدن اسلامی [اگر] شما نگاه کنید، می‌بینید اوج تمدن اسلامی در قرنهای چهارم و پنجم است که از لحاظ علمی سرآمد است و بزرگان علما، محققین، فلاسفه، دانشمندان مادی در دنیای اسلام به وجود آمدند که دنیا را توانستند پیش ببرند که بسیاری از این پیشرفتهای امروز غربی‌ها مرهون آن حرکت است. خب، امروز البته سرعت ما بیشتر خواهد بود، ما سریع‌تر ان‌شاءالله به آن نتیجه خواهیم رسید، لکن بالاخره زمان بر است.

ما در این ۳۷، ۳۸ سالی که از اول انقلاب گذشته است، خوب پیش رفتیم. واقعاً اگر کسی با چشم انصاف نگاه کند، ایران وابسته‌ی عقب‌افتاده‌ی گمنام ذلیل زیر دست و پای آمریکا و انگلیس، امروز جوری شده است که آمریکا و انگلیس و بقیه می‌آیند صف می‌بندند برای اینکه امکانات موجود جمهوری اسلامی در منطقه را بلکه بتوانند بنحوی مصادره کنند، و نمیتوانند؛ یعنی این‌جور گسترش پیدا کرده است عزت اسلامی و عزت نظام اسلامی و ایران اسلامی که آنهايي که با چشم تحقیر نگاه میکردند به ملتها و از جمله به ملت ایران -مثل دوران طاغوت- امروز مجبورند مثل یک هم‌اورد قدرتمند با او مواجه بشوند. این پیشرفت عمومی ملت است. در علم پیشرفت کردیم، در سیاست پیشرفت کردیم، در مسائل گوناگون مورد نظر اسلام پیشرفت کردیم. از لحاظ عدالت اجتماعی هم امروز با گذشته، زمین تا آسمان فرق کرده است؛ البته تا آن عدالت اسلامی خیلی فاصله داریم، تا عدالت مطلوب خیلی فاصله داریم.



امروز متأسفانه همچنان نشانه‌های اشرافی‌گری و تجملات و بعضی از انحرافات گوناگون در جامعه‌ی ما کم نیست اما وقتی نسبت به قبل از انقلاب ملاحظه بکنیم -حالا شما جوانها که قبل از انقلاب را ندیدید؛ ما و آنهایی که دیدیم قبل از انقلاب را- پیشرفت ملت ایران و کشور اسلامی نسبت به آن وقت، پیشرفت بسیار برجسته‌ای است.

خب، حالا [اگر] ما بخواهیم به آن نقطه‌ی الگو برسیم، راه چیست؟ آنچه بنده در دو کلمه می‌خواهم عرض بکنم این است که راه، تکیه‌ی بر مقدرات و امکانات داخلی و ظرفیتهای خود این ملت است. ما خیلی ظرفیت داریم. این ملت ظرفیتهای استفاده نشده زیاد دارد؛ اینکه ما در سیاستهای برنامه، رشد هشت درصدی را در نظر گرفتیم و گفتیم باید کشور در طول برنامه به رشد هشت درصدی برسد، به خاطر ظرفیتهای بی‌شماری است که در داخل وجود دارد. اول [برنامه] بعضی میگفتند رشد هشت درصدی در زمینه‌ی مسائل اقتصادی ممکن نیست؛ بعد خود مسئولین آمدند به ما گفتند نخیر، همین که شما نوشتید درست است؛ رشد هشت درصدی امکان‌پذیر است؛ منتها خب کار لازم دارد، سیاست درست لازم دارد، راهبرد صحیح برنامه‌ریزی شده لازم دارد؛ با تنبلی و بی‌کارگی و اعتماد به دیگران نمیشود؛ باید با برنامه‌ریزی پیش رفت. این به خاطر ظرفیت کشور است؛ ظرفیت کشور خیلی بالا است. از جمعیت حدود هشتاد میلیونی ما، بیش از سی درصد این جمعیت عمرشان بین ۲۰ سال تا ۳۵ سال است؛ یعنی در عنفوان جوانی [هستند]؛ جوانی مظهر تحرک است، مظهر نشاط است. ما این همه جوان در کشور داریم؛ در بین این جوانها، میلیون‌ها نفر تحصیل کرده و باسواد و متخصص و دارای ابتکار وجود دارند. امکانات زیرساختی ما در طول این ۳۷ سال امکانات بسیار فراوانی است؛ ما در زمینه‌های مختلف، زیرساخت‌های فوق‌العاده مؤثر و کارآمدی را در کشور به وجود آورده‌ایم - ما که عرض میکنم یعنی مسئولین کشور به وجود آوردند؛ بنده که کاره‌ای نیستم - همه چیز آماده است برای حرکت کردن، پیشرفت کردن.

خب، این پیشرفت هم بحمدالله انجام گرفته. شما مقایسه کنید سی سال بعد از انقلاب اسلامی را با سی سال بعضی از کشورهایی که نمی‌خواهم اسم بیاورم؛ سی سال در زیر نفوذ آمریکا زندگی کردند، حتی از آمریکا پول نقد هم گرفتند یعنی سالانه فلان مقدار -چند صد میلیون یا چند میلیارد دلار- از آمریکا پول هم می‌گرفتند؛ نتیجه چه شد؟ بعد از سی سال آمار دادند، معلوم شد که در شهر پایتختشان دو میلیون آدم بی‌خانمان قبرستان‌نشین وجود دارد. نتیجه‌ی نفوذ آمریکا بر یک کشور و تسلط آمریکا بر یک کشور، این است. خب، بنابراین آنچه مهم است، تکیه‌ی به ظرفیت داخلی است.

گاهی دشمنان موانعی ایجاد میکنند. بله، عاقلانه است که انسان برود با تدبیر، این موانع را برطرف کند، اما به دشمن اطمینان نمیشود کرد؛ یک نمونه‌اش همین مذاکرات هسته‌ای و برجام است که امروز مسئولین دستگاه دیپلماسی خود ما و همان کسانی که در این مذاکرات از اول تا آخر حضور داشتند، همینها دارند می‌گویند آمریکا نقض عهد کرده است، آمریکا زیر ظاهر آرام و زبان چرب و نرم مسئولانش و وزیر خارجه‌اش و دیگران، از پشت دارد تخریب میکند، مانع ارتباطات اقتصادی کشور با کشورهای دیگر دنیا است؛ این را مسئولین خود برجام دارند می‌گویند. این حرفی است که بنده البته از یک سال پیش و یک سال و نیم پیش، مرتب تکرار کردم که به آمریکایی‌ها نمیشود اعتماد کرد - بعضی‌ها سختشان بود قبول کنند- اما امروز خود مسئولین ما [می‌گویند]. همین هفته‌ی گذشته، مسئولین محترم مذاکره [کننده‌ی] ما با طرفهایشان در اروپا جلسه داشتند؛ همین حرفها را مسئولین ما به آنها گفتند و آنها جواب نداشتند؛ گفتند شما این نقض عهد را کردید، این تخلف را کردید، این کاری را که باید انجام میدادید انجام ندادید، از پشت سر این جور تخریب کردید، آنها هم جوابی نداشتند بدهند؛ شش ماه هم از امضای برجام می‌گذرد، هیچ تأثیر



محسوس و ملموس هم در وضع معیشت مردم به وجود نیامده است؛ [درحالی که] خب، برجام اصلاً برای برداشتن تحریمها بود؛ برای اینکه تحریمهای ظالمانه برداشته بشود. مگر غیر از این است؟ خب برداشته نشده؛ حالا میگویند بتدریج، یواش یواش دارد درست میشود! مگر بحث سر یواش یواش بود؟ آن روز مسئولین، هم به ما میگفتند، هم به مردم میگفتند که در این مذاکرات، قرار بر این است که وقتی ایران تعهدات خود را انجام میدهد، یکباره همه ی تحریمها برداشته بشود؛ یعنی این مانعی که آمریکا سر راه ملت ایران ظالمانه و خباثت آمیز به وجود آورده بود، برداشته بشود؛ خب حالا شش ماه از این موعد گذشته است، برداشته نشده؛ شش ماه برای یک مملکت هشتاد میلیونی زمان کمی است؟ در این شش ماه دولت محترم کم میتوانست کار بکند اگر چنانچه این خباثت آمریکاییها نبود؟ این برجام شد برای ما یک نمونه، یک تجربه. بنده سال گذشته در سخنرانی عمومی -یا سال گذشته بود یا یک سال ونیم پیش بود؛ درست یادم نیست تاریخش- (۳) گفتم برجام و این مذاکرات هسته ای، برای ما یک نمونه خواهد بود؛ ببینیم آمریکاییها چه کار میکنند؛ اینها که حالا با زبان چرب و نرم می آیند، گاهی نامه مینویسند، اظهار ارادت میکنند، اظهار همراهی میکنند، در جلسات مشورتی و مذاکرات که می نشینند، با زبان چرب و نرم با مسئولین ایرانی صحبت میکنند، خیلی خب ببینیم در عمل چه کار میکنند. حالا معلوم شد در عمل چه کار میکنند! در ظاهر وعده میدهند، با زبان چرب و نرم حرف میزنند اما در عمل توطئه میکنند، تخریب میکنند، مانع از پیشرفت کارها میشوند؛ این شد آمریکا؛ این شد تجربه. حالا آمریکاییها میگویند بیاید درباره ی مسائل منطقه با شما صحبت کنیم! خب، این تجربه به ما میگوید این کار برای ما سم مهلک است.

این تجربه به ما نشان داد که ما در هیچ مسئله ای نمیتوانیم [با او] مثل یک طرف مورد اعتماد بنشینیم صحبت کنیم. انسان گاهی با دشمن هم حرف میزند اما دشمنی که به حرف خودش پایبند باشد و انسان بتواند اعتماد کند که او به هر دلیلی زیر قول خود و زیر تعهدات خود نخواهد زد. با این دشمن میشود حرف هم زد، بله؛ اما وقتی ثابت شد که دشمن، دشمن نابکار است، دشمنی است که در عمل، از نقض عهد هیچ ابائی ندارد و نقض عهد میکند، بعد هم وقتی میگوییم آقا چرا [نقض عهد] کردی، باز لبخند میزند، باز زبان چرب و نرم را باز میکند و یک جوری توجیه میکند، با این [دشمن] نمیشود وارد مذاکره شد. اینکه بنده سالها است دائم تکرار میکنم که با آمریکا مذاکره نمیکنیم علتش این است. این نشان دهنده ی این است که [مشکلات] ما در این مسئله، در مسائل مربوط به منطقه، در مسائل گوناگونی که داریم، در مشکلاتی که با آمریکا و امثال آمریکا داریم، با مذاکره حل نمیشود؛ ما یک راهی باید خودمان انتخاب بکنیم، آن راهمان را برویم؛ بگذارید دشمن دنبال شما بدود، بگذارید دشمن دنبال شما بدود. مسئولین سیاسی و دیپلماسی ما صریحاً میگویند که آمریکاییها میخواهند همه چیز را بگیرند، [اما] هیچ چیز ندهند! [اگر] یک قدم شما عقب رفتی، یک قدم جلو می آیند. اینکه ما مدام میگوییم مذاکره نمیکنیم، [ولی] بعضیها میگویند آقا مذاکره که اشکالی ندارد، اشکال مذاکره این است: شما را از راه صحیح خودت منحرف میکند، امتیاز را از شما میگیرد -وقتی مذاکره کردید یعنی یک امتیازی بدهید، یک امتیاز بگیرید دیگر؛ معنای مذاکره این است دیگر؛ مذاکره، نشستن و گعده کردن و حرف زدن و گفت و شنود و خنده و شوخی که نیست، مذاکره یعنی یک چیزی بده، یک چیزی بگیر- و آنچه را باید بدهی از شما میگیرد، [اما] آنچه را باید بدهد، به شما نمیدهد؛ زورگویی میکند؛ خب مستکبر یعنی همین، استکبار جهانی یعنی همین، یعنی زورگویی کردن، خودش را برتر دانستن، پایبند به حرف خود نبودن، خود را متعهد ندانستن؛ این معنای استکبار است، وعده هایش را تخلف میکند. خب امام بزرگوار ما فرمود: آمریکا شیطان بزرگ است؛ واقعاً این تعبیر، تعبیر فوق العاده ای است. خدای متعال از قول شیطان نقل میکند که شیطان در قیامت به کسانی که از او متابعت کرده اند میگوید: إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَوَعَدْتُمْ فَأَخْلَفْتُمْ؛ (۴) شیطان به پیروان خودش میگوید خدا وعده ی روراست درست به شما داده بود، شماها از وعده ی خدا پیروی نکردید،



پابند نماندید؛ من وعده‌ی دروغی به شما دادم، شما دنبال من راه افتادید! من تخلف وعده کردم، من وعده دادم به شما و تخلف کردم؛ شیطان پیروان خودش را این جور در قیامت ملامت میکند. بعد هم خدای متعال میفرماید از قول شیطان که به آنها میگوید که «فلا تلوْمونی ولوموا انفسکم»، من را ملامت نکنید، خودتان را ملامت کنید. این عیناً امروز منطبق است با آمریکا. حالا شیطان در قیامت این حرف را میزند، آمریکایی‌ها امروز در دنیا این حرف را میزنند؛ وعده میدهند، عمل نمیکنند، تخلف میکنند. امتیاز نقد را میگیرند، امتیاز نسبه را نمیدهند؛ وضع آمریکا این است. خب، پس به دیگران نباید اعتماد کرد.

این حرفهایی که زده میشود در مورد مسائل کلان کشور و سیاستهای کلان کشور را جوانهای عزیز ما بنشینند رویش فکر کنند؛ اینها ناشی از تجربه است، ناشی از شناختن دشمن و شناختن وضع است. این حرف همین جوری نیست که انسان یک چیزی بگوید تا یکی هم بیاید آن طرف یک جوابی بدهد «که خیر این جوری نیست»؛ نه، اینها را جوانهای عزیز [دقت کنند]. خوشبختانه ما جوانهای باهوش و با استعداد در کشور خیلی داریم؛ بنشینند تحلیل کنند، آن وقت راه مشخص خواهد شد.

راه چیست؟ راه همانی [است] که عرض کردیم: تکیه‌ی به استعداد درونی، تکیه‌ی به ظرفیتهای داخلی کشور، تکیه‌ی به همین جوانها، تکیه‌ی به ابتکاری که جوانها میزنند، کاری که دنبال میکنند، دانشی که تحصیل میکنند، دانش تحصیل کرده‌ای که تبدیل به فناوری میکنند. ما ظرفیتهایمان زیاد است. آمارها [نشان میدهد] -البته این آمار مال چند سال قبل است- ما چند صد هزار واحد تولیدی کوچک داریم؛ خیلی مهم است! من بارها در سخنرانی‌ها تکرار کرده‌ام، مسئولین عزیز کشور در زمینه‌ی مسائل اقتصادی بپردازند به واحدهای تولیدی کوچک و متوسط. ما چند صد هزار از این واحدها در کشور داریم. اینها را احیا بکنند، اشتغال به وجود می‌آید، ابتکار به وجود می‌آید.

ما تکیه میکنیم بر روی اقتصاد دانش‌بنیان؛ همین کارهای مهمی که حالا البته خوشبختانه چند سالی است در کشور شروع شده است لکن باید توسعه پیدا کند. تکیه میکنیم روی تولید داخلی. بنده این همه تکیه کرده‌ام بر روی مصرف تولیدات داخلی. الان هم دارم به شما میگویم، به مردم عزیز کشورمان میگویم، بروید سراغ مصرف تولید داخلی، کارگر ایرانی را ترویج کنید، کار ایرانی را ترویج کنید. متأسفانه واقعیت قضیه این جور نیست. در بخشهای مختلف -فرض کنید در وسائل زندگی منزل- کارخانه‌های داخلی مشغول کارند، جنس مرغوب و خوب و برابر با جنس خارجی، گاهی هم بهتر از جنس خارجی، تولید میکنند اما بازار که شما میروید، می‌بینید همه‌اش جنس خارجی است؛ چرا؟ اینها از کجا می‌آید؟ تأکید بنده بر روی اینکه جلوگیری از واردات محصولاتی که مشابه داخلی دارد، به‌خاطر این است؛ راه این است.

[در موضوع] قاچاق، بنده به مسئولین گفته‌ام که آقا جان! وقتی شما آن باند قاچاقچی را پیدا میکنید و آن جنس کلان قاچاق را که چند هزار تن وزن آن است، وارد کشور میکنید، این جنس را جلوی چشم همه آتش بزنید؛ ضربه بزنید به قاچاقچی، به جنس دارای مشابه داخلی. خب معلوم است وقتی که جنس خارجی وارد شد -چه از مبادی ورودی قانونی مثل گمرک و امثال اینها، چه از مبادی قاچاق که متأسفانه خیلی هم زیاد است- تولید داخلی می‌خواهد. وقتی تولید داخلی خوابید، همین وضعی پیش می‌آید که امروز هست: جوان ما بیکار میشود، اشتغال ما کم میشود، رکود بر کشور حاکم میشود، وضع زندگی و معیشت مردم دشوار میشود. اینها را که دیگر از طریق ارتباط با آمریکا و با اروپا نمیشود حل کرد، اینها را خودمان باید حل بکنیم. اینها کارهایی است که به عهده‌ی خود ما است؛



راه این است.

کشور ظرفیتهای زیادی دارد، [ظرفیّت] ابتکار زیادی دارد، این کشور هشتاد میلیونی - که البته جمعیت آن میتواند به ۱۵۰ میلیون هم برسد و ان شاء الله مسئولین همانطور که بارها تکرار کرده‌ایم، کمک کنند که این تکثیر جمعیت جوان که امروز خوشبختانه وجود دارد از بین نرود؛ نسل را متوقف نکنند؛ جمعیت کشور را بتدریج در طول سالها به پیری منتهی نکنند - این جمعیت، این کشور، با این ظرفیّت، با این امکانات چهارفصلی که کشور ما دارد، میتواند از لحاظ مادی پیشرفت کند، مشکلات معیشت مردم برطرف بشود؛ راهش این است.

بنده به مسائل معیشت مردم خیلی فکر میکنم، خیلی دغدغه‌مندم نسبت به مسئله‌ی معیشت مردم اما هرچه فکر میکنم، هرچه با کارشناس‌ها و آدمهای وارد و مطلع مشورت میکنم، میبینم جز این راهی وجود ندارد که ما قاطعاً تکیه کنیم به مسائل داخلی. اینکه تجار خارجی بیایند و بروند و هیچ آبی هم از اینها گرم نشود - که تا حالا [هم] نشده - [چه فایده دارد]؟ الان حدود یک سال است مدام می‌آیند و می‌روند؛ کاری هم نکرده‌اند. اگر هم بخواهند کاری کنند، تصرف بازار ایران است که درست به ضرر ما است. فایده‌ی آمد و رفت این هیئت‌ها باید سرمایه‌گذاری باشد، باید ایجاد تولید باشد، باید در جاهایی که احتیاج داریم به فتاوری جدید، [آوردن] فتاوری جدید باشد؛ اینها باید باشد؛ اینها نیست یا کم است. این چیزها را بایستی مسئولین محترم رعایت کنند، دنبال کنند. اینکه ما گفتیم اقدام و عمل، البته حالا مشغولند، باید ان شاء الله نتیجه‌ی کار محسوس بشود، ملموس بشود که مردم حس کنند، لمس کنند؛ راه این است.

حالا البته در زمینه‌ی مسائل فرهنگی و مسائل معنوی حرف خیلی زیاد است، ما آنها را نمیخواهیم وارد بشویم، نمیخواهیم بحث بکنیم؛ بحثش در جای خود. بحث مسائل اقتصادی و مسائل معیشتی اینها است. اگر بخواهیم معیشت مردم اصلاح بشود، مشکلاتی که دارند، طبقاتی که وجود دارند، باید به این کارها توجه بکنیم.

یکی از مهم‌ترین مسائل، جلوگیری از فساد داخلی است. این کاری که حالا مطرح شده و گفته شده است و مسئولین هم بحمدالله صریحاً اعلان کرده‌اند که جلوی این فسادها و این زیاده‌خواهی‌ها و زیاده‌خوری‌ها و این حقوقهای گزاف را میگیرند - که در بعضی جاها هم بحمدالله شد؛ در بعضی از بخشها و سازمانها که به ما گزارش دادند، این اقدام تحقق پیدا کرد، عملی شد - بایستی فراگیر بشود، باید دنبال بشود، باید رها نشود این کار، جلوی فساد باید گرفته بشود.

جلوی اشرافی‌گری باید گرفته بشود؛ اشرافی‌گری بلای کشور است. وقتی اشرافی‌گری در قلله‌های جامعه به وجود آمد، سرریز خواهد شد به بدنه؛ [آن وقت] شما می‌بینید فلان خانواده‌ای که وضع معیشتی خوبی هم ندارد، وقتی میخواهد پسرش را داماد کند یا دخترش را عروس کند یا فرض کنید مهمانی بگیرد، مجبور است به سبک اشرافی حرکت بکند. وقتی اشرافی‌گری فرهنگ شد، میشود این. جلوی اشرافی‌گری باید گرفته بشود. رفتار مسئولین، گفتار مسئولین، تعالیمی که میدهند، باید ضدّ این جهت اشرافی‌گری باشد؛ کما اینکه اسلام این جوری است.

این راجع به مسائل کشور که حرفهای بنده اینها است. درباره‌ی مسائل اقتصادی آن حرفی که بنده دارم، که دائماً اینها را، هم به مردم عرض کردیم، هم به مسئولین عرض کردیم، اینها است؛ ما میگوییم به خود تکیه کنیم، نیروی



خودمان را شناسایی کنیم؛ دردهای کشور شناخته شده، درمان هم شناخته شده؛ برای این درمان برنامه‌ریزی کنیم و پیش برویم.

[درباره‌ی] مسائل منطقه. منطقه هم، امروز منطقه‌ی پُرغوغایی شده است؛ اینجا هم وقتی نگاه میکنیم، باز پای آمریکا در میان است. بله، اینکه دولت سعودی علناً با رژیم صهیونیستی بنا کند به مغازله کردن و رفت‌وآمد را علنی بکند، خنجری است بر پشت امت اسلامی. شکی نیست که این کاری که سعودی‌ها کردند -ارتباطات آشکار با رژیم صهیونیستی- این واقعاً خنجری است که از پشت بر امت اسلامی وارد شد؛ خیانت بزرگی کردند، اینها گناهکارند، لکن اینجا هم دست آمریکا در میان است. دولت سعودی چون تابع آمریکا است، چون مسخر آمریکا است، چون چشمش به دهان آمریکا است، این غلط بزرگ را انجام داد؛ اینجا هم پای آمریکا در میان است.

یا اگر شما می‌بینید که یمن قریب یک‌سال و نیم است که دارد بمباران میشود؛ شوخی است؟ یک کشور را، آن هم نه مراکز نظامی‌اش را، [بلکه] بازارها را، بیمارستان‌ها را، خانه‌های مردم را، اجتماعات را، میدانها را، مدارس را، بیابند همین‌طور بمباران کنند! این چیز کوچکی نیست؛ این خیلی جرم بزرگی است. نه ماه رمضان بفهمند، نه ماه حرام بفهمند، نه ملاحظه‌ی کودک بکنند، این همه کودک‌کشی بکنند، خب این هم جرم بزرگی است که متأسفانه دولت سعودی مرتکب این جرم هم شده؛ اما این هم با پشتوانه‌ی آمریکا است، با چراغ سبز آمریکا است، با هواپیمای آمریکایی است، با سلاح و مهماتی است که از آمریکا وارد شده است؛ آنها هستند که همه‌ی امکانات را فراهم میکنند. حتی وقتی سازمان ملل میخواهد در این زمینه حرفی بزند -حالا بعد از عمری، یک حرف حقی میخواهد بزند و محکوم بکند- دهنش را می‌بندند با پول، با تهدید، با فشار؛ که این دبیرکل بدبخت روسیاه سازمان ملل، آمد اعتراف کرد و گفت فشار آوردند به من! خب فشار آوردند، نمیتوانی، برو کنار! چرا می‌ایستی و خیانت میکنی به بشریت؟ این خیانت به بشریت است. اینجا هم پای آمریکا است.

در قضیه‌ی بحرین که یک لشکر بیگانه از یک کشوری می‌آیند داخل بحرین برای اینکه به مردم بحرین فشار وارد کنند؛ اینجا هم باز چراغ سبز آمریکا است. خب حالا آن دولت سعودی، دولتی است که دست بچه‌ها دارد میگردد، بچه‌های نایخرد واقعاً، دست آنها است، اما آن چیزی که انسان با تحلیل مسائل، با مشاهده‌ی مسائل میفهمد، حقیقتاً همین است که این دست آمریکا است، پشتیبانی آمریکا است.

این گروه‌های تکفیری هم همین‌جور [هستند]. حالا الان ادعا میکنند که علیه گروه‌های تکفیری ائتلاف تشکیل داده‌اند -البته الان هم علیه آنها کار درستی انجام نمیدهند؛ یک جاهایی حتی طبق گزارشهایی که به ما میرسد کمک هم میکنند- اما تولید این گروه‌ها باز برمیگردد به آمریکا که بعضی از مسئولین آمریکایی اعتراف کردند این معنا را؛ اعتراف کردند و گفتند داعش را ما کمک کردیم که بیایند، هم داخل امت اسلامی اختلاف بیندازند، هم اسلام اموی و مروانی را ترویج کنند. این اسلام وهابی و تکفیری همان اسلام اموی است، اسلام مروانی است، اسلامی است که با اسلام حقیقی فرسنگها فاصله دارد؛ بدنام کردند اسلام را. البته حالا دامن خودشان را هم گرفته است. معروف است در فارسی که «هر که باد بکارد، طوفان درو خواهد کرد»، حالا یواش‌یواش دارند طوفان را درو میکنند. اما تقصیر آنها است و آنها بودند که این کار را کردند.

در قضایای دیگر هم همین‌جور [است]. آمریکایی‌ها ادعا میکنند که میخواهند مشکلات منطقه را حل بکنند، اما



درواقع عکس این است؛ خودشان به وجود آورنده‌ی مشکلات یا تشدیدکننده‌ی این مشکلاتند؛ مانع حل مشکلاتند. [اگر] دست خود ملت‌های منطقه باشد حل خواهند کرد مسائل را. ما باز هم دعوت میکنیم دولت‌های اسلامی را، این دولت‌های عربی که اطراف ما هستند، اینها باید بدانند آمریکا قابل اعتماد نیست، آمریکا به اینها به چشم ابزار نگاه میکند؛ ابزار حفظ رژیم صهیونیستی و حفظ خوی و منافع استکباری خود آمریکا در منطقه. آمریکا درواقع اصلاً هیچ علاقه‌ای به اینها ندارد؛ از پولشان استفاده میکند، از نیروی اینها برای مقاصد خودش استفاده میکند؛ برای اینکه یک حفاظی درست کند، رژیم صهیونیستی را حفظ کند و اهداف استکباری خودش را در منطقه نگه بدارد و حفظ کند. این کاری است که اینها دارند میکنند.

در مسائل منطقه هم به نظر ما راه حل عبارت است از اتحاد ملت‌های مسلمان، اتحاد دولت‌های مسلمان و ایستادگی در مقابل هدف‌های استکباری و اهداف آمریکا و بعضی از دولت‌های اروپایی. بعضی دولت‌های اروپایی هم خودشان را خراب کردند به خاطر تبعیّت از آمریکا و خودشان را از چشم مردم منطقه انداختند. خب، بعضی از دولت‌های اروپایی یک احترامی حتی در چشم مردم ما - مردم ایران - داشتند اما اینها خودشان را مفتضح کردند با پیروی از آمریکا. [باید] اهداف اینها شناخته بشود و در مقابله‌ی با اهداف اینها حرکت بشود. ملت‌ها میتوانند، و ملت ما [هم] البته ایستاده است.

این را هم به شما عرض بکنم: با همه‌ی این نقلها و با همه‌ی این تفاسیل، آمریکا در منطقه روزبه‌روز رو به ضعف بیشتر است. نقشه‌هایش افشا شده است و معلوم است که دنبال چه کاری است: در کشورهای مختلف میخواهد دخالت کند. این جور هم نیست که فقط با ما دشمن باشد و با دیگران دوست باشد؛ نه، شما ملاحظه کردید در کشور ترکیه؛ [البته] هنوز به نظر ما اثبات نشده است، اما اتهام قوی وجود دارد که این کودتایی که در ترکیه رخ داد، با تدبیر و تهبه‌ی آمریکایی‌ها بود. اگر ثابت بشود، رسوایی بزرگی برای آمریکا است. ترکیه کشوری بود که روابط خوبی با آمریکا داشت و میگفت متحد منطقه‌ای آمریکا است؛ [اما] حتی با ترکیه هم حاضر نیستند [بسازند]؛ چون یک گرایش اسلامی آنجا وجود دارد؛ با اسلام مخالفند، با گرایش اسلامی مخالفند، لذا آنجا هم حتی کودتا راه می‌اندازند، البته سرکوب شد، مغلوب شدند و در چشم مردم ترکیه هم منفور شدند؛ در جاهای دیگر هم همین جور است؛ هم در عراق، هم در سوریه، هم در مناطق گوناگون دیگر بحمدالله روزبه‌روز رو به ضعفند.

اگر ما ملت ایران به وعده‌ای که خدای متعال داده است خوش‌بین باشیم و مقدمات آن وعده را فراهم بکنیم، مشکلات برطرف خواهد شد. خدا فرموده است: **إِنْ تَنْصَرُوا لِلَّهِ يَنْصُرْكُمْ**؛ (۵) اگر شما دین خدا را نصرت کنید و انگیزه‌های الهی را تقویت کنید و نصرت کنید، قطعاً خدای متعال شما را نصرت خواهد کرد؛ کسی را هم که خدای متعال نصرت بکند، هیچ موجودی در عالم نمیتواند او را تضعیف بکند؛ روزبه‌روز قوی‌تر خواهد شد و پیروزتر خواهد شد. امیدواریم خدای متعال ملت ایران را در همه‌ی میدانها - میدانهای امنیتی، اقتصادی، نظامی، سیاسی، فرهنگی و علمی - ان شاءالله پیروز کند و شما ملت عزیز را هر روز از روز قبل خوشبخت‌تر و پیروزتر قرار بدهد.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته

(۱) سوره‌ی احزاب، بخشی از آیه‌ی ۲۳؛ «از میان مؤمنان مردانی‌اند که به آنچه با خدا عهد بسته‌اند صادقانه وفا کردند...».





- ۲) سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۳۶؛ «... از این [دوازده ماه]، چهار ماه، [ماه] حرام است...»  
۳) بیانات در دیدار جمعی از مداحان اهل بیت (ع) در سالروز میلاد حضرت فاطمه (س) (۱۳۹۴/۱/۲۰)  
۴) سوره‌ی ابراهیم، بخشی از آیه‌ی ۲۲  
۵) سوره‌ی محمد، بخشی از آیه‌ی ۷